

ترامپ بر تمام جهان مالیات گمرکی وضع می کند

ترامپ پیش تر تهدید کرده بود که بر کالاهای وارداتی از اغلب کشورهای جهان، از جمله اروپا، چین و خاورمیانه، مالیات گمرکی وضع خواهد کرد و به محض فرارسیدن دوم آوریل که در آمریکا به «روز آزادی» شناخته می شود، فرمان ریاست جمهوری در خصوص وضع مالیات های گمرکی را امضا کرد؛ مالیاتی که میزان آن در برخی موارد به بیش از 50٪ از ارزش کالاها رسید. بسیاری از کشورها در واکنش به این اقدام، به صورت متقابل یا حتی با شدت بیشتر، مالیاتی بر واردات آمریکایی وضع کردند. در اینجا، به برخی نکات کلیدی در این زمینه می پردازیم:

1- از منظر اصولی: آمریکا طی چندین دهه گذشته تلاش کرده است تا سرمایه داری داخلی خود را جهانی سازد، به گونه ای که تجارت آزاد، سرمایه گذاری و انتقال سرمایه ها نه تنها در سطح ملی، بلکه در سطح جهانی امکان پذیر باشد. برای تحقق این هدف، با تمام توان خود به حذف موانع در برابر حرکت کالاها و سرمایه ها میان کشورها پرداخت و نهادهایی را پدید آورد که آزادی تجارت را تضمین می کردند. این اقدامات بر پایه این تصور بود که روند طبیعی چنین جهانی سازی ای انتقال کالاها و تولیدات از شمال و غرب به جنوب و شرق و در مقابل، انتقال سرمایه و ثروت از جنوب و شرق به شمال و غرب خواهد بود. جهانی سازی آمریکایی یکی از نتایج جنگ سرد با اتحاد جماهیر شوروی سابق بود که در سال ۱۹۹۱ فروپاشید. پس از فروپاشی آن، نشانه های ظهور چین به عنوان قدرتی تجاری که قادر به جذب صنایع ساده و پیچیده بود، آغاز شد؛ قدرتی که توانست نیازهای روزمره جهانی، از جمله آمریکا را در تمام زمینه های زندگی تأمین کند. تا آن که چین و کشورهای دیگر نظیر کره، ژاپن، بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین، توانایی تولید و صادرات یافتند؛ بهره مند از هزینه تولید پایین تر نسبت به هزینه تولید در آمریکا. این امر سبب شد تا مسیر حرکت کالا و سرمایه معکوس گردد و آمریکا به بزرگ ترین واردکننده کالا از کشورهای مختلف، به ویژه چین، تبدیل شود. در نتیجه، شرایط به زیان آمریکا تغییر کرد و ناچار شد بت جهانی سازی ای را که خود ساخته بود، در هم بشکند.

۲- بحران بدهی آمریکا: آمریکا با خطر افزایش بدهی های دولت، اعم از داخلی و خارجی، روبه رو است. نرخ بهره بدهی های آمریکا، همراه با هزینه های خدمات مربوط به آن، به حدود 13٪ از بودجه سالانه کشور رسیده است. مجموع بدهی های آمریکا نیز از ۳۲ تریلیون دلار فراتر رفته که تقریباً برابر با 100٪ تولید ناخالص ملی آن است. در مواجهه با این واقعیت های تکان دهنده، رئیس جمهور آمریکا راهی نیافت تا وجهه خود را در برابر افکار عمومی که او را انتخاب کرده بودند، حفظ کند، جز با یک عمل سزارین اقتصادی که به موجب آن، سالانه مبلغی حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ میلیارد دلار گردآوری شود تا بدون زحمت، سودهای بهره ای و خدمات بدهی پرداخت گردد. از سوی دیگر، بتواند به کاهش مالیات برای سرمایه داران بزرگی که در کارزار انتخاباتی اش از او حمایت کردند، ادامه دهد. به جای افزایش مالیات ها برای جبران هزینه های بدهی، آن گونه که معمول است، تصمیم گرفت مالیات بر کشورهای دیگر اعمال کند. این راه حل، موقتی و سطحی است؛ چراکه بدهی آمریکا به شکل فزاینده ای در حال رشد است؛ اما ترامپ تصمیم گرفت مسئله افزایش مالیات بر سرمایه داران بزرگ را به رئیس جمهور بعدی که چهار سال بعد به کاخ سفید خواهد آمد، واگذار کند. حقیقت آن است که آمریکا از نظر مالی وارد مرحله ای بسیار دشوار شده است؛ به طوری که مجموع بدهی های آن با میزان تولید ناخالص ملی اش برابر و حتی بیشتر شده است، همان گونه که در جدول زیر آمده است. این بدان معناست که اقدام ترامپ در افزایش مالیات های گمرکی، راه حل ریشه ای برای معضل فزاینده بدهی عمومی، افزایش بهره و هزینه های خدمات آن نیست و تنها برای اثبات وفاداری اش به سرمایه داران بزرگ مؤثر است؛ کسانی که او را در جلب اعتماد دولت پنهان و کسب ریاست دوره دوم یاری کردند.

سال	ارزش تولید ناخالص ملی (تریلیون دلار)	ارزش بدهی دولت (تریلیون دلار)	نسبت بدهی به تولید ناخالص ملی
2020	21.46	28.15	131%
2021	23.83	29.49	124%
2022	26.23	30.85	118%
2023	27.58	32.91	119%
2024	29.8	35.46	119%
2025	31.4	37.65	120%
2026	33.0	39.91	121%
2027	34.7	42.1	121%
2028	36.5	44.39	122%

۳- شتاب در رکود اقتصاد آمریکا و جهان: جنگ تعرفه‌های گمرکی متقابل، بدون تردید منجر به افزایش قیمت‌ها، هزینه‌های زندگی روزمره و هزینه‌های تولید در خود آمریکا و همچنین در کشورهایی می‌شود که در واکنش، تعرفه‌های گمرکی را افزایش می‌دهند. این امر به افزایش بی‌سابقه‌ای در تورم مالی منجر خواهد شد، نه فقط در آمریکا، بلکه در سطح جهانی و از آنجا که بهترین روش برای کاهش آثار تورم، سیاست «تسهیل کمی» است؛ یعنی تزریق نقدینگی و خارج کردن سرمایه از مرزهای کشور، این سیاست نیز بی‌فایده خواهد بود؛ چراکه تمام کشورهای جهان هم‌زمان از افزایش نرخ تورم رنج خواهند برد. این بدان معناست که سیاست تسهیل کمی با دلار دیگر راهی برای خروج و جریان یافتن نخواهد داشت و همین‌طور یورو، پوند، یوان چین و بین ژاپن نیز چنین وضعی خواهند داشت. این وضعیت منجر به رکودی عمومی در سطح جهانی می‌شود که در نهایت به کساد شبیه آنچه در سال ۱۹۲۹ و پیش از جنگ جهانی دوم رخ داد، خواهد انجامید. اقدام ترامپ ممکن است به رکود جهانی قطعی منتهی شود.

اینجا پرسش مهمی مطرح می‌شود: آیا ترامپ و مشاوران اقتصادی‌اش نمی‌دانند که چنین اقدامی خطر بزرگی برای اقتصاد داخلی و جهانی در صورت ورود به رکود است؟ و این که رکود به این شکل ممکن است به بی‌ثباتی در سطح جهان بینجامد و صلح و آرامش جهانی را تهدید کند؟ قطعاً آن‌ها این موضوع را درک می‌کنند و گمان نمی‌رود چنین مسئله‌ای بر تحلیل‌گران سیاسی و اقتصادی پوشیده باشد. این ما را به پرسش بعدی می‌کشاند: آمریکا از سوق دادن تمام اقتصاد جهانی به سوی رکود قطعی، چه هدفی دارد و دنبال چیست؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند درک ابعاد نبرد جهانی و تلاش برای ایجاد نظم نوین جهانی با ویژگی‌ها و نشانه‌های تازه است؛ اما در این مقاله فرصت پرداختن به چنین موضوعی وجود ندارد.

برگرفته از شماره ۵۴۳ جریده الرایه